



نشریه مستقل دانشجویی زیتون
شماره ۳

خمینی آفریتا

۳

قاصدک! مان، چه خبر آوردی؟

۴

کنداکه

۴

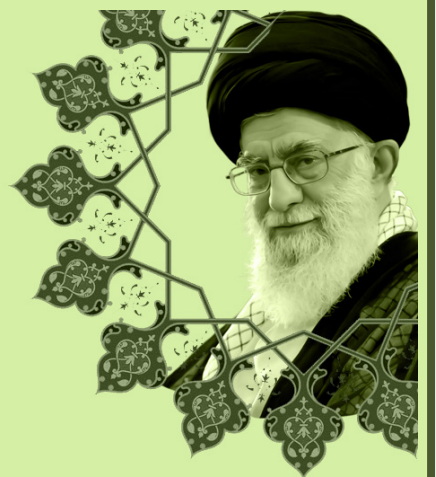
ایرانِ صغیر

۳

پرونده و شبح صفحه ۲

حج نیست!

◆ کلوگاه وحدت
◆ فراموش نشدنی



حج يك كار سياسی است

از جمله خطاهای بزرگی که همیشه می‌شنفتیم، حالا هم گاهی از بعضی از زبانهای بی‌مبالات نسبت به حقایق اسلامی صادر میشود این است که «حج را سیاسی نکنید»؛ یعنی چه سیاسی نکنید؟ آنچه ما در حج لازم داریم از امور سیاسی، عین تعالیم اسلام است؛ ایجاد وحدت يك امر سیاسی است، این امر اسلام است، این عبادت است؛ وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا. ما اگر در حج از ملت فلسطین یا مظلومین دنیای اسلام مثل مظلومین یمن و دیگران دفاع میکنیم و حمایت میکنیم، این البته يك كار سياسی است اما سیاستی است عین تعالیم اسلامی؛ دفاع از مظلوم خودش يك فریضه است، يك واجب است؛ این [واجب] اتفاق می‌افتد. یا برائت از مشرکین؛ اگر چنانچه روی مسئله برائت تکیه میکنیم و اصرار می‌ورزیم و آن را انجام میدهیم - که باید به بهترین وجهی ان شاء الله هم‌ساله انجام بگیرد - این به خاطر این است که يك فریضه اسلامی است؛ اَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ؛ مؤمنین هم «براء» از مشرکینند؛ اِنَّا بَرَاؤُا مِنْكُمْ وَ مِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَ بَدَا بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَ الْبَغْضَاءُ اَبَدًا حَتَّى تُوْمِنُوا بِاللَّهِ وَحْدَهُ؛ همه اینها مال دین است. بله، سیاست است، در عمل حج کار سیاسی هست، اما این کار سیاسی عینا همان تکلیف دینی است، عینا همان عبادت است؛ ببینید که اینها جزو نکات مهمی است. بله، اینکه بیایند منع کنند از این حرکات سیاسی این جور، آن هم يك عمل سياسی است، منتها سیاست غیر دینی، سیاست ضد دینی؛ اینکه بگویند در حج حق ندارید به آمریکا بگویید بالای چشمش ابرو است، این [هم] يك حرکت سياسی است، منتها حرکت سياسی شیطانی است، حرکت سياسی غیر اسلامی است. اما اینکه شما آنجا ابراز برائت کنید از هر مشرکی، از هر ضداسلامی، این هم حرکت سياسی است، منتها سیاستی که عین دین است؛ این سیاست دینی است. اینها نکاتی است که باید ما در مورد حج بدانیم.

(بیانات در دیدار کارگزاران حج، ۹۸/۴/۱۲)

تقلای برای بقا (۲)

خدیجه سادات میرنخشی

در پایان این نشست، هیچ نتیجه‌ای حاصل نشد حتی کوشنر، داماد یهودی ترامپ، که از مجریان اصلی طرح معامله قرن است اقرار به مفتضحانه برگزار شدن این نشست کرد. بعد از شکست این طرح اقتصادی، آمریکا در تلاش است از راه‌های دیگری به پیاده‌سازی معامله قرن برسد.

در طول ۳۰-۴۰ سال گذشته این اولین بار است که همه‌ی گروه‌های فلسطینی بر سر یک مسدودی واحد و آن هم مخالفت با معامله قرن، موضع یکسانی می‌گیرند.

از گروه‌های فلسطینی در تاریخ مذاکرات فلسطین و اسرائیل، تشکیلات خودگردان فلسطین همواره نقش پررنگی داشته است. اما اینبار چراغ سبزه‌های آمریکایی‌ها به محمود عباس جهت همراهی با معامله قرن نتیجه‌ای در پی ندارد. چرا که مواضع تشکیلات خودگردان نسبت به معامله قرن به صورت واضح و قاطع مخالفت با آن بوده است.

از طرفی شورای امنیت سازمان ملل متحد اعلام کرد که معامله قرن خلاف قوانین بین‌الملل و قطعنامه‌ها می‌باشد، تلاش نماینده آمریکا برای راضی کردن اعضای شورای امنیت، مبنی بر توافق طرحی منافی با قوانین بین‌الملل تا این‌جا مخالفت‌های آلمان، فرانسه و روسیه را در پی

داشته است. این مخالفت‌ها موجب شد آمریکا برنامه‌ی تازه‌ای برای رسیدن به معامله قرن ترتیب دهد. در روزهای اخیر داماد ترامپ، کوشنر، به اسرائیل سفر کرد تا مقدمات نشستی دیگر در کمپ دیوید را فراهم کند. این نشست جهت ارائه برنامه‌های صلح ترامپ می‌باشد. بعد از اسرائیل، کوشنر، به کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس می‌رود و البته سران این کشورها به سختی می‌توانند دعوت به نشست کمپ دیوید را رد کنند. گویا جهت تسهیل این پذیرش نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در این نشست شرکت نخواهد کرد.

این نشست قرار است در سپتامبر و قبل از برگزاری انتخابات پارلمانی اسرائیل برگزار شود تا يك ابزار تبلیغاتی انتخاباتی برای نتانیاهو و ترامپ هم باشد.

با مخالفت‌هایی که در جوامع مسلمین علیه معامله قرن به وجود آمد، این معامله محکوم به شکست است و نشان از آخرین دست‌وپا زدن‌های آمریکا و اسرائیل در باتلاق بقا دارد. در طول ۳۰-۴۰ سال گذشته این اولین بار است که همه‌ی گروه‌های فلسطینی بر سر يك مسئله واحد و آن هم مخالفت با معامله قرن موضع یکسانی می‌گیرند. و تقریباً غیر از برخی سران کشور‌های حاشیه خلیج فارس هیچ موافقی برای این طرح وجود ندارد که این کشورهای عربی نیز همزمان با شکست معامله قرن سقوط خواهند کرد.

آنچه که در این بین نباید مورد غفلت امت‌ها و دولت‌های مسلمان قرار گیرد حق تعیین سرنوشت برای مردم اصلی فلسطین طی يك رفراندوم سیاسی است. طرحی که جمهوری اسلامی ایران سال‌هاست به مجامع بین‌المللی عرضه کرده است.

فراموش نشدنی

سید محمدعلی قربانی

تاریخ را که ورق بزنیم، پر از اتفاقات کوچک است و بزرگ، که فقط بعضی از آن‌ها فراموش نشدنی هستند. فاجعه‌ی منا از آن اتفاقات فراموش نشدنی تاریخ است. این راه، نه نگارنده‌ی این متن، بلکه رهبر انقلاب اسلامی، سیدعلی خامنه‌ای، می‌گوید.

فاجعه منا را می‌توان مرگبارترین رویداد حج در طی ادوار تاریخ نامگذاری کرد. دو هزار و چهارصد و سی و یک کشته، که این حداقل تعداد بیان شده برای این فاجعه است. خارج از تصور است اما تعداد جنازه‌های محرم به لباس احرام در این فاجعه، به اندازه‌ای بود که تمام خیابان ۲۰۴ منطقه‌ی منای شهر مکه را سفیدپوش کند.

آلسعود، مقصر اصلی فاجعه منا، پس از این فاجعه با سلاح زر، زور و علی‌الخصوص تزویر خود سعی در تطهیر وجهه خود داشت. با پول و باج به دولت‌های کشورهای آسیب‌دیده در فاجعه منا، با تهدید و ترعیب کشورهای کوچک و با استفاده از تبلیغ شبانه‌روزی رسانه‌های قدرتمند خود، نه تنها خود را از این فاجعه عظیم مبرا می‌دانست، بلکه جمهوری اسلامی ایران را نیز به عنوان مقصر این اتفاق به جهان معرفی کرد. آلسعود به پشتوانه این اتفاق تا مدت‌ها، دقیقاً قبل از تهدید رهبر انقلاب اسلامی، از دادن جنازه‌های شهدای این فاجعه جلوگیری می‌کرد و حتی جنازه‌هایی را که تحویل می‌داد، درویشان را تخلیه کرده بود. حتی بسیاری از اجساد کشته‌شدگان این حادثه، از کشورهایی به غیر از جمهوری اسلامی ایران را تحویل نداده است. آلسعود به خانواده‌های کشته‌شدگان مدفون در عربستان، اجازه‌ی زیارت قبور عزیزان خود را نمی‌دهد. حتی دیه‌ی کشته‌شدگان منا را هم سلیقه‌ای پرداخت کرده، به طور مثال دیه‌ی شهدای ایرانی را پرداخت نکرده است. آلسعود حتی اگر در خود فاجعه منا هم مقصر نباشد، که هست، در حوادث پس از این فاجعه به طور مشهود مقصر است.

فاجعه‌ی منا، فقط نه این که چهارصد و شصت و چهار خانواده‌ی ایرانی راه، بلکه هفتاد میلیون ایرانی را داغدار کرد. داغی که شاید بعد از گذشت چهار سال از التهاب آن کاسته شده باشد، اما جای آن همیشه بر جان جهان اسلام باقی خواهد ماند. رهبر معظم انقلاب در دیدار قبل از حج سال قبل با کارگزاران و دست‌اندرکاران آن به طور ویژه به پیگیری این فاجعه اشاره کردند و با مشخص کردن دستگاه‌های ذی‌ربط، که در صدر آن سازمان حج و زیارت و بعثه مقام معظم رهبری و در رده‌ی بعدی وزارت امور خارجه و قوه قضائیه بودند، از آنان خواستند تا از پیگیری و احقاق حقوق شهدای منا خسته نشوند.

پیگیری حقوق شهدای منا می‌تواند بر چند طریق عملیاتی شود. ابتدا برای جلوگیری از تکرار این فاجعه بزرگ باید مسئولیت حج به شورای حج، متشکل از کشورهای مسلمان جهان اسلام، داده شود که وظیفه پیگیری این موضوع و رایزنی با کشورهای دیگر جهان اسلام، بر عهده‌ی سازمان حج و زیارت است. در گام دوم سازمان حج و زیارت با همکاری بعثه مقام معظم رهبری و سازمان‌های بین‌المللی، باید کمیته حقیقت‌یابی با حضور مدعی اصلی، یعنی ایران، تشکیل دهند. در گام بعدی وزارت امور خارجه باید در راستای محکوم کردن آلسعود در مجامع و دادگاه‌های بین‌المللی و گرفتن غرامت و دیه شهدای منا اقدام کند. قوه قضائیه نیز می‌تواند با بخش‌های بین‌المللی خود در دادگاه‌های جهانی و با بخش‌های داخلی خود و مصادره اموال آلسعود در داخل ایران به نفع خانواده‌های شهدای منا اقدام کند. این اقدامات حداقلی باید صورت گیرد تا به صورت عملی نشان دهد که جمهوری اسلامی ایران نیز همانند مردم این کشور، این فاجعه و حقوق شهدای آن را فراموش نکرده‌اند. شاید ۲ مهر همین امسال، که چهارمین سالگرد این فاجعه است، زمان مناسبی برای بیان عملکرد این دستگاه‌ها در راستای احقاق حقوق شهدای منا باشد.

کبری بدرلو

نگاهی بر حج بی برائت

تفکر، زمانی که از الهی بودن فاصله می‌گیرد، رو به سلیقه ای شدن پیش می‌رود. و این نگاه سلیقه‌ای، جبراً ارزشها را بر اساس منافع گروه‌های قدرتمند تعریف می‌کند. در چنین معادله‌ای سعی اسلام‌رحمانی بر این نیست که بُعدِ رحمانی اسلام را تصویر کند؛ بلکه سعی دارد به سلیقه‌ی صاحبان این تفکر، اسلام را صرفاً رحمانی جلوه دهد. تحت سیطره همین نگاه بر افکار عمومی، نیمی از معارف بلند و اساسی اسلام در چنبره‌ی این تفکر بر جامعه، هضم خواهند شد؛ مفاهیم اصیل برائت از مشرکین و جهاد و قتال فی سبیل الله با دشمنان نمونه‌هایی از جنبه‌های محذوف اسلام در نگاه لیبرال‌زده‌ی اسلام رحمانی است.

بهتر است اندکی از دنیای کلمات فاصله بگیریم و به دنیایی که همین کلمات به ظاهر دینی می‌سازند نگاه کنیم. نگاه رحمانی با صحنه‌ی

دفاع مقدس چه خواهد کرد؟ آیا جز گرفتن حالت تدافعی و پنهان شدن پشت رحمانیت اسلام را تجویز می‌کند؟ آن هم در مقابل دنیای کفری که با تمام قوا و ضرب و زوری که داشت، در برابر حاکمیت نوظهور اسلام ناب محمدی، قد علم کرده بود. به راستی چه چیزی از اسلام می‌ماند، بعد

از این نوع مواجهه‌ی جبهه‌ی حق در صحنه‌ی دفاع مقدس؟!

بنابراین اسلام در جایگاه خود هم چهره‌ی خندان با ملت‌ها را در معادلاتش لحاظ می‌کند و هم چهره خشمناکی دارد که اتفاقاً این خشم در برابر تعدی‌ها و دشمنی‌ها و در واقع پاسدار همان ملت‌های تحت

ظلم و ستم است.

اسلام برای پیشرفت در مسیر حق، تاکتیک‌های مختلفی دارد که در چهارچوب حرکت در صراط مستقیم تعریف و اتخاذ می‌کند. اما درخصوص نوع مواجهه و مبارزه با کفر، اسلام حکمی در مقیاس جهانی دارد. حکم مبارزه و قتال با ائمه کفر. امام کفر به معنای ایدئولوگ، تئورسین، زمامدار و هادی کفر است. در واقع امام کفر است که تقض عهد می‌کند، نه آحاد مردم. این غدد چرکین اجتماع هستند که مانع مسلمان شدن و حق‌گرایی مردم می‌شوند. فلذا روی مبارزه و چهره‌ی خشمگین اسلام و صف‌آرایی مسلمین با این امامان کفر باید باشد.

و امروز کدام امام کفری از این واضح‌تر ظهور و بروز می‌کند که حکم قطعی الهی درمورد مراسم برائت از مشرکین در حج بیت الله الحرام را نفی و نهی می‌کند؟ و این نداء، تفکر شیطان بزرگ است که امروز از حلقوم نحس حکام جور عربستان سعودی شنیده می‌شود. در مقابل

این حکم شیطانی که مقابل حکم الهی قد علم کرده است باید ایستاد. آن‌هایی که مدعی راهگشا بودن منطق‌مدارا و مصالحه هستند خوب است فقط تاریخ چند دهه قبل را ورق بزنند. آن‌هایی که به حج سکولار و خالی از شعائر الهی مانند مراسم برائت از مشرکین، معتقدند و سر دادن چند شعار

ضداستکباری را فاقد اثر و نتیجه در معادلات جهانی می‌دانند، بروند ببینند که در واقعه خونین حج سال ۶۶ دشمن از چه مدت قبل و با کدام کشورها، چه تدارک‌هایی برای همین مراسم به ظاهر ساده و بی نتیجه دیده اند! اقدامات عجیب رژیم سعودی قبل از واقعه منای سال ۶۶ گویی برای صحنه آرای یك

حج نیست!

جنگ تمام عیار است نه يك مراسم متعارف دینی. خوب است سوالی مهم و اساسی را همواره با خود مرور کنیم و با قرار دادن وقایع در کنار هم، در جستجوی پاسخ این سوال باشیم. به راستی دلیل ناامنی‌های امروز در صحنه جهان اسلام چیست؟ دشمن همواره دشمنی می‌کند و يك دم از کید و کینه خود فروگذار نمی‌کند. اما سوال اینجاست که تحقق وعده غلبه حق بر باطل در گرو کدام اتفاق مبارک است که به دلیل بروز اتفاقاتی نامبارک بر مسیر آن، هنوز شیرینی کامل آن به کام جبهه حق چشاندۀ نشده است؟ هنوز زمین لرزه ناامنی‌های اخلاقی و معنوی و سیاسی، سرزمین‌های اسلامی را تکان می‌دهد. علت چیست؟

پاسخ، دردناک و شایسته تأمل عمیق است؛ عامل عمده ابتلائات جهان اسلام خصوصاً در دهه‌های اخیر، علاوه بر هجوم بی رحمانه دشمن، غفلت ما بوده است. سرگرم شدن به جنگ داخلی در سوریه و عراق و یمن و لیبی و بحرین؛ و مواجهه با تروریسم در افغانستان و پاکستان و...، موجب غفلت از وظیفه قطعی نجات فلسطین شده است.

روزی حضور پرشکوه حجاج از اکثر کشورهای اسلامی در مراسم برائت از مشرکین در عرفات و حساسیت ویژه زائران غیرایرانی به مسائل انقلاب اسلامی ایران، پیروزی حزب‌الله لبنان بر رژیم صهیونیستی و انتفاضه فلسطین و... نقاط الهام بخش منادیان حق و انقلابیون سایر کشورهای تحت ستم و نقطه عطف اتحاد قلوب بین مسلمین بوده است.

و حال مراسم برائت از مشکین در حج که زمینه ایجاد گفتگمانی واحد برای مقابله با ائمه کفر بوده است، در حصار چادر بشته و تنها توسط حجاج ایرانی برگزار می‌شود! تا مبادا فریاد تظلم خواهی ایرانیان، گره را از خشم به بغض نشسته در حنجره حجاج سایر کشورهای اسلامی بگشاید و هم صدایی یکپارچه جهان متحد اسلام، کاخ حقارت و ظلمشان را به خاکستر خشم الهی بنشاند.

گلوگاه وحدت

های نیکوی انسانی و نابودی رذیلت‌های شیطانی و نفسانی. روی کار آمدن عدالت یعنی نابودی کاخ‌های قدرت این ظالمان و هدف دشمن مقابله با همین تفکر است. اما خداوند وعده داد وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَفْضَوْا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ (قصص ۵).

حرکت به سمت خلافت مستضعف‌های پابره‌نه، همان‌ها که زمین را به ارث می‌برند و عدالت خدا را بر زمین پیاده خواهند کرد فقط از يك طریق شروع خواهد شد. و خدا در این طریق میفرماید و اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا و اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ اذْ كُنْتُمْ اَعْدَاءَ فَالِقَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَاصْبَحْتُمْ بِنِعْمَةِ اخوانا و كنتم علي شفا حفره من النار فانقذكم منها كذلك يبين الله لكم آياته لعلكم تهتدون (آل عمران ۳).

دشمن نیز تمام توانش را در همین گلوگاه به کار برده است. گذر از گلوگاه وحدت شاید سخت‌ترین ماموریتی باشد که امروز بر دوش ماست. اما مبنای انقلاب خمینی که بر آیاتی چون فلا تطع الكافرين وجاهدكم به جهادا کبیرا(فرقان ۵۲) استوار است حکایت از افق روشن پیروزی دارد. افقی که تنها با وحدت آغاز خواهد شد.

تك تك قدرت‌طلبان با یکدیگر و يك عامل مهم، برای صرف هزینه‌های گزاف از طرف همین دشمنان بشریت با هدف ایجاد تفرقه میان مسلمانان جهان؛ که نکند باز هم پیامبری سیراب از معارف الهی سلطه آنان بر زمین خداوند را مورد هدف قرار دهد.

دشمن اما اسمی عام است. در واقعیت با اطلاق صفاتی چون مستکبر، تمامیت خواه، سرکوبگر، ظالم و... دشمن را توصیف میکنیم. اما حقیقت بالاتر این کلمات است. حقیقت آن است که امروز مرز دوست و دشمن را فقر و غنا، استضعاف و استکبار و در يك کلمه عدالت مشخص میکند.

دشمن معنای عدالت ناشی از وحدت را فهمید

و کمر به نابودی این مفهوم بست. مگر قیام امام حسین علیه‌السلام چیزی جز برپایی عدالت بود، مگر چیزی جز تبیین حقیقت اسلام بود. و به واقع تمام حرکت انبیا و اوصیا الهی تنها و تنها با يك هدف بود، ایجاد جهان برگرفته از تمامی خصلت

محمدجواد مغنوب قدیری

اندك نگاهی به مفهوم وحدت

صحنه‌های تاریخ، عرصه بزرگترین اتحاد هاست. اتحاد‌هایی که گاه مملو از معارف توحیدی هستند و گاه سرریز شده از نفرت‌های شیطانی. در این وحدت‌ها مهم اما همین مفاهیم است و الا که هیتلر و موسولینی نیز در مقابل مثلث شرارت بریتانیا، شوروی و آمریکا نیز بزرگترین اتحاد‌ها را

رقم زدند.

مقام معظم رهبری نیز در سال‌های گذشته نه تنها از تاکیدشان بر این برادری کم نشده است که این وحدت را از مهم‌ترین مسائل جهان اسلام معرفی می‌کنند؛ از این جهت که اسلام، سرشار از مفاهیمی چون استقلال، آزادی، عدالت و نوع‌دوستی است.

و الحق که همین‌ها کافی است تا وحدتی را به وجود بیاوریم، که جرقه‌ی انقلابی بزرگ، در این دنیای شیطانی مستکبران باشد.

وحدت برای همگان بزرگترین سلاح تاریخ بوده است. شاید محرکی برای همراه شدن

دشمن نیز تمام توانش را در همین گلوگاه به کار برده است. گذر از گلوگاه وحدت شاید سخت‌ترین ماموریتی باشد که امروز بر دوش ماست.

خمینی آفریقا

سبحان فلاح

مظلومیتشان خیلی هم نیاز به کنکاش ندارد.

همین که جستجویی ساده در اینترنت بکنیم، متوجه می‌شویم.

آذر ۹۴، بیش از ۳۰۰ شهید در حمله به اجتماع بزرگ مسلمانان به مناسبت

میلاد پیامبر اکرم (ص) در حسینه بقیه... (عج)، تخریب منزل شیخ ابراهیم و حسینه حضرت بقیه... (عج) در همان حمله. این حمله اوج مظلومیت مسلمانان نیجریه است. جایی که سه پسر شیخ در آن به کاروان شهدا می‌پیوندند و خود شیخ و همسرش نیز زخمی می‌شوند. خبرگزاری‌ها

نگاهی به سرگذشت رهبر شیعیان نیجریه

سه شنبه بود، حوالی طلوع آفتاب پانزدهمین روز از اردیبهشت سال ۱۳۳۲. پسرک سیه‌چرده‌ای دیده به دنیا گشود. همه،

۱۵ اردیبهشت ۳۲ را بعنوان روز تولدش به رسمیت می‌شناسند. اما واقعیت این نیست. ابراهیم بیست و اندی سال بعد فهمید چگونه باید متولد شود یا بهتر بگوییم؛ چگونه باید مردمان نیجریه را دوباره متولد کند.

درست آن زمانی که

استاد دانشگاهش از کشوری می‌گوید که در آن قدرت حاکمیت متعلق به شاه است اما یک شیخ روحانی بیشترین تاثیر را بر همه‌ی مردم آن سرزمین می‌گذارد. نامش شیخ روح‌الله است، روح‌الله خمینی. شیخ روح‌الله یک ملت را دوباره زنده کرد. ملتی فراتر از مرزهای یک سرزمین. تا جایی که ابراهیم هم تحت تاثیر او قرار گرفت. یک سال بعد از آن که ملت ایران به پرچم‌داری شیخ روح‌الله دوباره دیده به سرزمین اسلامی‌شان گشودند، ابراهیم هم به دیدار شیخ روح‌الله رفت، قرآنی از او هدیه گرفت و او هم دوباره متولد شد. شیعه شد و دینش را کامل کرد. شیعه شد و عازم شد تا روحی که شیخ روح‌الله در وجودش دمیده بود در سرزمین نیجریه نیز جاری کند. ابراهیم زکراکی حالا خودش همان شیخ روحانی نیجریه شده که قدرت حاکمیتی ندارد اما نفوذش در قلوب نیجریه‌ای‌ها بیش از دولت مستکبر و مستمره حاکم است. ابراهیم آن جوان بیست و چندساله تازه نفس، حالا شده شیخ ابراهیم یعقوب زکراکی، رهبر شیعیان که نه، تمام مردم نیجریه. شیخ ابراهیم و یارانش همان قدر مظلومند که شیخ روح‌الله و جنبش مردمی‌اش هم بودند.

یک سال بعد از آن که ملت ایران به پرچم‌داری شیخ روح‌الله دوباره دیده به سرزمین اسلامی‌شان گشودند، ابراهیم هم به دیدار شیخ روح‌الله رفت، قرآنی از او هدیه گرفت و او هم دوباره متولد شد.

را که بالا و پایین می‌کنم به جمله‌ای عجیب در وصف شرایط آن حمله برمی‌خورم؛ «خبرهای این واقعه به طور غیررسمی پخش و منتشر می‌شود زیرا محل به شدت تحت محاصره قرار دارد و تعدادی از افرادی که منابع خبر بوده اند، شهید شده اند...». عجیب عاشورایی بوده! اما این تازه شروع مظلومیت نیجریه است. جایی

که رهبر حرکت اسلامی برای چندمین به همراه همسرش بازداشت می‌شود و دوباره جهان اسلام بعد از یک واکنش برهه‌ای به این اتفاق بزرگ به سکوت سنگینی فرو می‌رود. اما جنبش مسلمانان نیجریه ادامه دارد. راهپیمایی اربعین سال ۹۷ در نیجریه، حمله مجدد ارتش به اجتماع آرام مسلمانان، به شهادت رسیدن ۵۰ نفر و انقلابی که

همچنان می‌جوشد. بایکوت بنگاه‌های خبرپراکنی دنیا، تهمت‌های آمریکایی‌ها و حمایت سعودی‌ها از حملات به مسلمانان نیجریه، بیش از سه سال بازداشت شیخ ابراهیم و همسرش، شکنجه و زندان و قتل عام، سفارت ایران و لیبخندهای تلخ دیپلمات‌آبانه‌اش در نشست و برخاست با مخالفان شیخ ابراهیم و آخوندهای سکولار نیجریه! این‌ها همه جزئی از مظلومیت حرکت اسلامی نیجریه است. اما نه مظلومیتی از باب سکوت در برابر ستم. مظلومانی مقتدر. مظلومیت و اقتداری که از همان دم مسیحایی خمینی است. اقتداری که پس از ۲ قرن، حالا یک مسلمان را بعنوان رهبر حاکمیت اسلامی در نیجریه می‌شناساند. رهبر مقتداری که پس از گذشت دو دهه از شروع حرکت اسلامی، نه تنها حالا ۲۰ میلیون نفر را شیعه کرده که همه مسلمانان و حتی مسیحیان نیجریه را هم با این حرکت همراه کرده است.

اقتداری که به علمداری زینت الابراهیم همسر شیخ، راه را برای حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی باز کرده است. از هیچ جنبه‌ای غافل نشده و حتی درباره انقلاب اسلامی ۲۰۰ سال قبل نیجریه، برای ثبت در تاریخ فیلم سینمایی تولید می‌کند. و پنج روز

هفته را در خیابان‌ها می‌جوشند و جنبش‌شان را زنده نگه می‌دارند. اما حالا انگار دستگاه دیپلماسی کشورمان - که انقلابش روزی الگوی شیخ ابراهیم بوده - ترجیح می‌دهد خدای ناکرده شیخ ابراهیم در زندان به شهادت برسد تا برایش مراسم‌ها بگیرد و به صدور انقلاب ایران در جهان ببالد و به فکر باز تولید خاشقچی از خمینی نیجریه باشد. اما این هم از مظلومیت حرکت اسلامی است که با اعتراضات جوانان ایرانی به اقتداری پیروزمندانه در حرکت اسلامی نیجریه ختم خواهد شد.

حالا انگار دستگاه دیپلماسی کشورمان - که انقلابش روزی الگوی شیخ ابراهیم بوده - ترجیح می‌دهد خدای ناکرده شیخ ابراهیم در زندان به شهادت برسد تا برایش مراسم‌ها بگیرد و به صدور انقلاب ایران در جهان ببالد.



ایران صغیر

نگاهی به تحولات این روزهای کشمیر مظلوم طوبی بوعلی

می‌خواهم از کشمیر برایتان بگویم. از کشمیر مظلوم که فلسطین دوم جهان اسلام است و حتی مظلوم تر از فلسطین، که هفتاد سال است در سکوت رسانه‌ها مردمانش قتل‌عام می‌شوند.

می‌خواهم از کشمیر برایتان بگویم. کشمیری که به ایران صغیر شهرت یافته است. آداب و رسوم و اخلاق مردمانش خیلی آشناست و بیشتر از آن که به هند بماند به ایران نزدیک است. علاقه مردمانش به ایران وصف ناشدنی است بطوری که برای پرچم ایران احترام بسیاری قائلند.

می‌خواهم از کشمیر برایتان بگویم. از کشمیر مظلومی که مردمانش با همه شرایط ظلم هفتاد ساله، پا به پای سایر مظلومان جهان فریاد عدالت خواهی و حمایت از مظلوم سر داده اند. از دفاع مقدس و فلسطین و غزه گرفته تا اخیرا نیجریه و شیخ زکراکی. و کیست که فراموش کند کمک‌های بیشمار مردم مظلوم کشمیر را در سیل اخیر ایران.

آنچه بر سر کشمیر می‌آورد باز می‌گردد به سال ۱۹۴۷ که پس از فروپاشی هند بر سر مالکیتش دعوا شد و کشمیر مظلوم میان هند و پاکستان و چین به سه پاره تقسیم شد و مردمانش سال‌هاست به خاطر دعوای سیاسی زیر چکمه‌های نظامیان هند بیصدا جان می‌دهند.

کشمیر سرزمین هندوها بوده و معبد‌های بسیاری دارد. اما به واسطه نفوذ اسلام اکثر جمعیتش را مسلمان‌ها تشکیل می‌دهند. این ایام مقارن شده بود با مراسمات مذهبی هندوها و در روزهای اخیر توریست‌های بیشماری به این سرزمین سفر کرده بودند. هند به بهانه‌ی تهدیدهای امنیتی و خطر حمله تروریستی و نیز ایجاد امنیت برای توریست‌ها، تعداد بسیار زیادی از نیروهای نظامی را به کشمیر اعزام کرد. کمی بعد به خاطر عدم امنیت، مراسم سالانه هندوها را لغو و همه‌ی زائران و گردشگران را از کشمیر بیرون کرد. ولی کمی بعد نظامیان بیشتری را به کشمیر فرستاد. به طوری که تعداد نیروهای امنیتی هند در کشمیر به یک میلیون نفر رسید. شب ۱۳ مرداد هند اعلام کرد که از فردا حکومت نظامی در کشمیر برقرار است. و ارتباط مردم کشمیر را با خارج از ایالت قطع کرد. به طوری که آن‌ها به تلفن و اینترنت دسترسی ندارند و اکثر شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی‌شان قطع شده است. همچنین نه تنها رهبران جدایی طلب که حتی رهبران طرفدار ابقای کشمیر تحت حاکمیت هند، که جزئی از مسئولین دولت ایالتی هم بوده‌اند حصر خانگی شدند. از اولین اقدامات دولت هند در دهلی پس از محاصره کامل مسلمانان کشمیر، می‌توان به لغو ماده ۳۷۰ قانون اساسی هند که به جامو و کشمیر اختیارات ویژه‌ای در مقایسه با سایر ایالت‌های هند اعطا می‌کرد، اشاره کرد. همچنین هند در اقدامی دیگر ایالت جامو و کشمیر را به دو بخش لداخ و جامو کشمیر تقسیم کرد.

هند رژیم صهیونیستی نیست که به رسمیت نشناسیمش. مسئولین مان وظیفه دارند حقوق مردم کشمیر را از دولت هند مطالبه کنند. هرچقدر که هند روابطش با ما خوب باشد و یار غارمان و رفیق شفیق مان باشد، باید جلوی ظلم ظالم را بگیرند.

چه گناهی کرده اند ۱۳ میلیون مسلمان کشمیر، که ۷۰ سال است در رنج و عذاب به سر می‌برند. آن‌ها نیاز به شنیده شدن صدایشان دارند. بیایید حال که جز پاکستان از هیچ دولتی هیچ صدایی بلند نشده است و رسانه‌های داخلی و خارجی اخبار کشمیر را بایکوت کرده‌اند؛ و حال که هند با نقض آشکار حقوق بشر، با قطع اینترنت و تلفن صدای مظلومیتشان را خفه کرده است؛ صدای مظلومین کشمیر شویم و به ندای هل من ناصر ینصرنای مردم کشمیر لبیک گوئیم.

قاصدک! مان، چه خبر آوردی؟

گوشه‌ای از مظلومیت کودکان یمن

طبق گزارش سازمان ملل هر بار که شما این متن را می‌خوانید، یک کودک یمنی از فرط گرسنگی جان می‌دهد. این البته قسمتی از آمار است، یعنی اگر فرض کنیم توپ و تفنگ‌ها طوری ساخته می‌شوند که با بچه‌ها کاری نداشته باشند، باز هم هر ۱۰ دقیقه یک نفر می‌میرد. گل قاصدک معروف است به خبرچینی، نمی‌دانم دوشنبه، همین هفته، وقتی وسط بازار «آل ثابت» آن موشک آمریکایی «تاد» به قاصدک خورد و ۵۰ تکه شد، خبر باروت و خون را به خانه کدام مادر و خواهر و برادر یمنی برد؟ البته یکی‌شان را شاید بدانم! اسمش را بگذارید احمد، در همین حد می‌دانم. دوستانش فردای یکی از همین «تاد باران‌ها» که نمیکت خالی‌اش را در مدرسه دیدند، شاید مثل خیلی‌های دیگر که مادرشان اجازه نمی‌داد دیگر مدرسه بیایند، تصور نمی‌کردند هفته بعد با اسم احمد روی سردر کلاسشان مواجه شوند. از فردا هم قسم شدند، پول توجیبی‌هایشان را روی هم گذاشتند و با یک نامه، فرستادند برای بانکی‌مون دبیرکل سازمان ملل. داخل نامه با همان دست خط بچگانه و نامفهوم نوشته بودند: «من و دوستانم برای شما حمایت مالی جمع کردیم تا نگران قطع کردن پول عربستان نباشی. آقای بانکی‌مون! ما پول توجیبی‌هایمان را برایت فرستادیم، دیگر نمی‌خواهد از عربستان بترسی، این‌جا مردم دارند می‌میرند» یکی‌شان هم آخر نامه نوشته بود: «دوست دارم درس را خوب بخوانم و تحصیلاتم که تمام شد دبیرکل سازمان ملل شوم و عربستان را محکوم کنم! چون دوستم احمد که کنارم در مدرسه می‌نشست را کشت. اگر من را



اما مشکل این‌جاست که این بچه‌ها دقیقا مطلب اصلی را درست فهمیده بودند، کل دنیا را می‌شود با پول خرید. تمام بوق‌ها و تریبون‌ها قیمت دارند! هر چقدر ژست آزادگی بیشتر بگیری قیمت بالاتر می‌رود. در این دنیا تنها تریبونی که وفادارانه، صادقانه و بدون قیمت عمل

می‌کند قاصدک‌ها هستند! اصلا آن‌ها که می‌گویند یمن را به خاطر غذا و دارو محاصره کردند دروغ می‌گویند! محاصره یمن هم به خاطر قاصدک‌هاست، که نکند یکی از همان قاصدک‌های باروت گرفته و خسته از تاریکی و مظلومیت خبری به سمت روشنایی و امید ببرد! این ناوها و سیستم‌های پیچیده موشکی هم آدم‌کش نیستند! قاصدک‌کشند، امید‌کشند! اصلا شاید آن موشک تاد که بر سر احمد و کودکان دیگر فرود آمد هم به قصد احمد نیامده، به قصد قاصدک آمده بود!

اما کیست که نداند قاصدک‌ها، با تمام جوانمردی و آزادی‌گی‌شان، با تمام تلاش‌شان برای رساندن پیام صلح و دوستی و با تمام پر پر شدن‌هایشان از میلیون‌ها سال پیش تا الان! شرمندگی تمام کودکان مظلوم عالم‌اند که زیاد نیستند و بردشان از کوچه‌های شهر بیشتر نمی‌رود. ای کاش می‌شد همه ما خبررسان می‌شدیم و همه در کنار هم به جای این‌که پول تو جیبی‌هایمان را روی هم بگذاریم و دنیا را بخریم، همه حنجره‌هایمان را روی هم می‌گذاشتیم و شهر به شهر و دست به دست قاصدک‌ها را جابجا می‌کردیم، آن وقت دنیا پر از قاصدک‌ها می‌شد و این دنیا بدون شک جای مناسب‌تری برای بازار رفتن احمد، تحصیل کردن و دبیر کل شدن دوستش و حتما حیات بشری بود.

قاصدک! مان، چه خبر آوردی؟

از کجا وز که خبر آوردی؟

راستی آیا جایی خبری هست هنوز؟

مانده خاکستر گرمی، جایی؟

در اجاقی طمع شعله نمی‌بندم؛

خردک شری هست هنوز...؟

کنزاکه

طوبی بوعلی

نگاهی کوتاه به انقلاب سودان

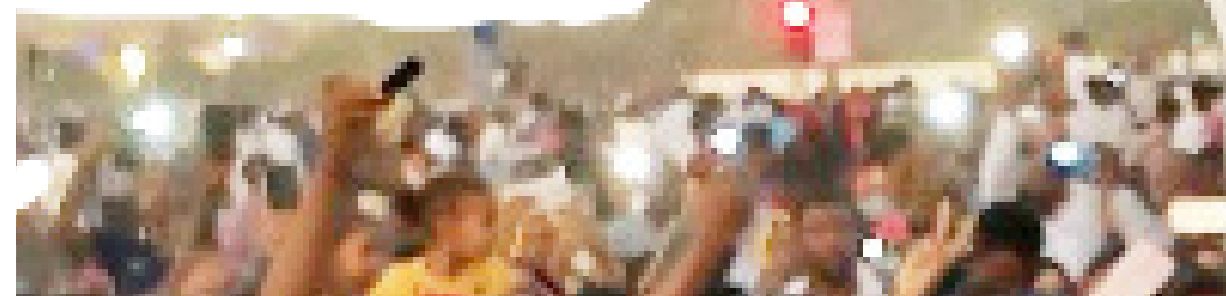
اگر اهل دنبال کردن اخبار به ویژه اخبار جهان باشید حتما با شنیدن نام سودان یک تصویر در ذهنتان نقش می‌بندد. تصویر آلاء صالح دختر ۲۲ ساله سودانی با لباسی بلند و سفید که انقلابیون را با دادن شعار و خواندن سرود تهییج می‌کند. دختری که لقب کنزاکه یا ملکه را به خود گرفت و به چهره‌ای جهانی تبدیل شد و پخش



عکس‌هایش در فضای مجازی موجب شد اخبار انقلاب سودان به گوش جهانیان برسد.

انقلابی که جرقه‌اش سه برابر شدن قیمت نان بود، حوالی آذرماه سال گذشته، و اعتراضات خیابانی مردم را به دنبال داشت اما کم‌کم اعتراضات رنگ و بوی سیاسی به خود گرفت و ادامه پیدا کرد تا سرانجام، ۲۲ فروردین امسال، حکومت ۳۰ ساله‌ی عمر البشیر توسط ارتش و با حمایت تظاهرات کنندگان سرنگون شد. معترضین سودانی که خواهان یک دولت مردمی و غیر نظامی بودند، با روی کار آمدن شورای نظامی انتقالی سودان، خواسته‌های انقلابشان محقق نشد و در نتیجه به تحصن و تجمع خود ادامه دادند. به طوری که در تظاهرات گسترده و میلیونی‌شان حدود صد نفر از غیرنظامیان کشته شدند. با این وجود شورای نظامی سودان که از حمایت‌های مالی عربستان و

امارات برخوردار بود حاضر نمی‌شد که دولت را به مردم واگذار کند. انقلاب سودان در صورتی محقق می‌شد که به دست نیروهای مردمی می‌رسید چون در آن شرایط فقط دیکتاتور آن حکومت تغییر یافته بود و هنوز رژیم دیکتاتوری آن پابرجا بود. چه فرقی می‌کند؟ حمیدی، معاون شورای نظامی انتقالی سودان، یا عمر البشیر رئیس‌جمهور سابق، وقتی هر دو از خود اختیاری نداشتند و فقط دستورات دیکته شده را اجرا می‌کردند. سرانجام پس از تنش‌های بسیار میان معترضان و نظامیان توافقی میان آن‌ها صورت می‌گیرد تا آتش خشم معترضین را تا مدت‌ها خاموش نگه دارد. توافق به این صورت است که شورایی ۱۱ نفره، با حضور ۶ غیر نظامی، به مدت سه سال قدرت را به دست خواهند گرفت. و ریاست این شورا به مدت ۲۱ ماه به نظامیان و ۱۸ ماه به غیر نظامیان واگذار می‌شود. و پس از پایان این دوره ۳ ساله مردم سودان سرنوشت خود را با برگزاری انتخابات آزاد تعیین خواهند کرد.



آخرین خبر

نیروهای لیبیایی توانستند دو هواپیمای بدون سرنشین رژیم صهیونیستی را در منطقه العزیزیه در جنوب طرابلس، پایتخت لیبی، سرنگون کنند.

در روز دوم پس از محاصره کشمیر، مردم شهر شیعه نشین کارگیل نسبت به اقدام دولت هند مبنی بر لغو ماده ۳۷۰ قانون اساسی و جدا کردن بخش لداخ از ایالت، اعتصاب عمومی داشتند.

جنبش اسلامی نیجریه اعلام کرد، دادگاه مجوزی را برای سفر شیخ زکزاکی و همسرش به هند برای پیگیری روند درمان صادر کرده است.

عبدالباری عطوان، تحلیلگر برجسته جهان عرب: بعید نیست هدف بعدی موشک‌های انصارا... یمن، فلسطین اشغالی باشد. زیرا کسی که دارای موشک‌های بالدار است که با دقت به اهدافش در ریاض و الدمام اصابت می‌کند، از بمب باران این بندر اسرائیلی تردیدی به خود راه نمی‌دهد.

نشریه مستقل دانشجویی زیتون

دانشگاه صنعتی امیرکبیر

شماره ۳

مرداد ۱۳۹۸

صاحب امتیاز، مدیرمسئول و سردبیر

طوبی بوعلی

هیئت تحریریه

طوبی بوعلی، خدیجه سادات میرنخی، کبری بدلولو

سید محمدعلی قربانی، امیرعباس شه دوست

سحان فلاح، محمدجواد مجذوب قدیری

صفحه آرایی و طراحی

طوبی بوعلی

ارتباط با ما

@zeytoonaut_admin

zeytoonaut@gmail.com

ما را در شبکه‌های اجتماعی دنبال کنید:



@zeytoonaut